

# نگرشی جدید به تصحیح وقف پول با توجه به ماهیت وقف و چیستی پول

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۸/۲۳ مصطفی کاظمی

نجف آبادی\*

## چکیده

قبل از پیدایش اقتصاد پولی، بیشتر اوقاف بر وقف املاک متمرکز بوده؛ ولی با فراگیر شدن اقتصاد پولی، بحث وقف پول در مجامع علمی جایگاه ویژه‌ای یافته است. فقها درباره وقف پول با یکدیگر اختلاف نظر دارند. منشأ اصلی این اختلاف، وجود یا عدم وجود شرط بقا در فرض انتفاع، در مال موقوفه است. در این پژوهش تلاش می‌شود از سه روش پیشینی، حقوقی و ارتکازی اثبات شود که ماهیت پول مالیت و ماهیت وقف، بقا در فرض انتفاع است. سپس با شکل دادن برهانی منطقی اثبات می‌کند که هرآن چیزی که بتواند در فرض انتفاع باقی بماند، وقفش صحیح است. مالیت شاکله اصلی پول است و قابلیت بقا در فرض انتفاع را داراست و بنا بر استدلال فوق، می‌توان وقف پول را صحیح دانست. این پژوهش که به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده است، از این منظر می‌تواند گامی رو به جلو در اندیشه تصحیح وقف پول ارزیابی شود که سعی در تصحیح وقف پول با توجه به ماهیت وقف و چیستی پول در اقتصاد از سه روش پیشینی، حقوقی و ارتکازی نموده است. علاوه بر اینکه شیوه ارتکازی در شناخت ماهیت از پیشنهادهاى این تحقیق به شمار می‌آید.

**واژگان کلیدی:** ماهیت وقف، ماهیت پول، وقف پول، روش پیشینی، حقوقی و ارتکازی.

---

\* . استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (Mostafakazemi@rihu.ac.ir).

## مقدمه

سفارش‌های مکرر نبی مکرم (ص) اسلام به مقوله وقف، باعث شد مسلمانان صدر اسلام اهتمام و جدیتی خاص برای وقف قائل شوند. باوجوداین در تاریخ، برای وقف درهم و دینار که پول رایج آن زمان بوده، از صدر اسلام تا ابتدای دولت امویان موردی نقل نشده است. در زمان هشام بن عبدالملک دیوانی مخصوص وقف ایجاد شد. اولین نقل در این خصوص، پرسش و پاسخی درباره وقف سکه طلا و نقره است که بخاری از زهری (متوفای ۱۲۴ق) نقل نموده است. شاید بتوان اذعان نمود که این پرسش و پاسخ دلالت می‌کند که وقف درهم و دینار از اوایل قرن دوم هجری مطرح بوده است (چیزاکچا، ۱۳۸۳).

در کتب فقهی، بحث وقف پول را می‌توان تحت عنوان وقف درهم و دینار که پول رایج زمان‌های گذشته بوده، جستجو نمود. وقف پول همواره مورد منازعه فقها و اندیشمندان بوده و تاکنون تلاش‌های متعددی به منظور تصحیح وقف پول انجام گرفته است. تحقیق حاضر نیز در تلاش است با اتخاذ رویکردی جدید صحت وقف پول را به اثبات برساند. رویکرد حاضر با تمرکز بر «ماهیت وقف» و «چیستی پول» و تبیین ترابط بین این دو، در صدد تصحیح وقف پول می‌باشد. در این روش، این فرضیه پیگیری می‌شود که ماهیت پول، مالیت است و مالیت، قابلیت تحبیس اصل و تسبیل منفعت را داراست؛ بنابراین با توجه به همسو بودن وقف پول با ماهیت وقف، می‌توان وقف پول را صحیح انگاشت. در این استدلال با به‌کارگیری سه شیوه پیشینی، حقوقی و ارتکازی، می‌توان پی برد که اولاً همه فقها، موافقت و همسویی با ماهیت وقف را - که همان بقا در فرض انتفاع است - شرط اساسی پذیرش مال وقف شده می‌دانند. ثانیاً از سه شیوه پیشینی، حقوقی و ارتکازی، اثبات شده که ماهیت پول، مالیت است و مالیت این ویژگی را دارد که در صورت وقف، می‌تواند در فرض انتفاع باقی بماند. پس با توجه به اینکه

وقف در پول، به وقف مالیت بازگشت می‌نماید، می‌تواند با ماهیت وقف سازگار بوده و صحت آن خللی در ماهیت وقف ایجاد نمی‌نماید.

### ۱. پیشینه تحقیق

حیدر حب‌الله (۲۰۱۱) و محمد لیبیا و همکاران (۱۴۳۰) برای صحت شرعی و قانونی وقف پول استدلال‌هایی از جمله تمسک به اطلاقات و عمومات را بیان می‌کنند. چیزاکیچا (۱۳۸۳) بحثی مفصل درباره تاریخچه وقف پول ارائه می‌نماید. سیدعلی کسائی (۱۳۸۴) سابقه وقف پول را مربوط به قرن هشتم میلادی دانسته و بر این باور است که وقف پول به صورت‌های گوناگون مانند صندوق یا بانک وقف پول قابل تحقق و گسترش است. حائری و عباسی (۱۳۸۶) بر این باورند که ویژگی تحول‌یافته پول که بیانگر ماهیت مثلی آن است، باعث می‌شود مثل پول جانشین عین پول شود و اصل پول بر اثر وقف آن، به‌رغم تغییر عین آن باقی بماند. جواد سعادت‌فر (۱۳۸۶) بر این باور است که بررسی فقهی وقف پول از آن نظر مهم می‌باشد که برخی فقها سهام را همانند پول دانسته و آن را کالا تلقی نمی‌کنند. فاطمه فلاح تفتی (۱۳۸۷) بر این باور است که با توجه به اینکه فقه، وقف را در صورتی صحیح می‌داند که اصل موقوفه بر اثر انتفاع از بین نرود، فقها در وقف درهم و دینار و به تبع آن پول‌های امروزی، اختلاف‌نظر دارند؛ اما وقف این دو را به شرط بقای اصل در صورت انتفاع صحیح می‌دانند. مرتضی رحیمی (۱۳۸۷) بر این باور است که اهل‌تسنن به‌دلیل در اختیار داشتن حکومت و رواج وقف پول در سرزمین‌هایشان، زودتر از شیعه در خصوص تکننگاری‌های درباره وقف پول اقدام کرده‌اند. جعفر سبحانی (۱۳۸۸) وقف پول را پذیرفته و به‌واسطه اطلاقات و عمومات بر صحت آن استدلال نموده و بر این باور است که معاملات جدید در صورتی که مخالف اصول نباشد، مورد تأیید شارع است. محمدصادق دبیری (۱۳۸۸) وقف پول را از منظر اسلام جایز دانسته است. مصباحی‌مقدم و همکاران (۱۳۸۸) ضمن بررسی چارچوب قانونی و فقهی وقف سهام و پول، مدلی پیشنهادی برای تأمین این هدف ارائه نموده

است. حسین نمازی فر و همکاران (۱۳۹۲) وقف پول را از منظر امام خمینی (ره) مورد بررسی قرار داده‌اند و نظری و همکاران (۱۳۹۵)، با ذکر ادله موافقان و مخالفان سعی نموده‌اند استدلال مخالفان را مورد تردید قرار دهند و استدلال موافقان را تقویت نمایند تا بتوانند بستری برای تصحیح وقف پول فراهم آورند.

هریک از آثار فوق درصدد ارائه دلیل برای تصحیح وقف پول از طریق سنتی هستند.

تفاوت این مقاله با سایر مقالات اولاً در نوع رویکرد جدیدی است که در این مقاله اتخاذ شده، بدین ترتیب که در این رویکرد از سه روش پیشینی، حقوقی و ارتکازی اثبات می‌شود که ماهیت پول مالیت و ماهیت وقف بقاء در فرض انتفاع است. بنا بر این مطلب، اگر در یک شیء بتوانیم بقا در فرض انتفاع را اثبات نماییم، وقف آن صحیح است. با توجه به اینکه اثبات می‌شود که ماهیت پول چیزی جز مالیت نیست و مالیت شرط بقاء در فرض انتفاع را داراست، بنابراین وقف پول صحیح است. ثانیاً شیوه ارتکازی برای شناساندن ماهیت اشیا به دو شیوه مرسوم پیشینی و حقوقی اضافه شده است.

نکته حائز اهمیت اینکه منظور این تحقیق از شیوه سنتی، همان شیوه اجتهادی مرسوم است که برای اثبات یک نظریه ابتدا نظر مخالفان بیان و ادله آنها رد می‌شود، سپس نظریه موافقان را بیان می‌کند و درصدد اثبات و ابرام ادله آنها برمی‌آید؛ به گونه‌ای که در پایان نظر مخالفان را مردود اعلام کرده و نظر موافقان را به صورت مطلق یا مشروط می‌پذیرد. لیکن با توجه به اینکه برای صحت وقف پول به شیوه سنتی (اجتهادی) مقالاتی منتشر شده، این تحقیق درصدد یافتن روشی جدید برای تصحیح وقف پول است تا بتواند تأیید دیگری برای صحت وقف پول فراهم آورد. نوآوری این روش اولاً مبتنی بر اتکای آن به این فرضیه است که در صورتی که بتوان «ماهیت پول» را به گونه‌ای تصویر نمود که شرط اصلی وقف (بقا در فرض انتفاع) را برآورده نماید؛ آنگاه وقف پول به جهت همسویی با ماهیت وقف، صحیح است. ثانیاً این رویکرد برای اثبات مدعای خود، «ماهیت وقف» و «چیستی پول» را از سه شیوه - حقوقی، پیشینی، ارتکازی

– مورد شناسایی قرار داده است. برای این کار به تمامی ادله موافقان و مخالفان از منظر کشف «ماهیت وقف» و «چیستی پول» نگریسته شده است. به عبارت دیگر ادله موافقان و مخالفان به منظور تأیید یا رد بیان نمی‌شود؛ بلکه فقط به منظور نیل به مرتکزات ذهنی آنها از ماهیت وقف بیان می‌گردد. همچنین سخنان دانشمندان درباره چیستی پول، به منظور وصول به مرتکزات ذهنی آنها از چیستی پول طرح می‌شود. سپس با تشکیل یک دلیل منطقی متشکل از صغری، کبری و نتیجه، فرضیه صحت وقف پول را از طریق بررسی ماهیت وقف و چیستی پول به اثبات می‌رسانیم.

## ۲. متدولوژی تحقیق

اگر تعریف، آینه تمام‌نمای ماهیت یک چیز باشد و ماهیت نمایانگر آثار و لوازم و مختصات، تعریف، گویای ویژگی‌ها و مختصات است. وقف هم مثل دیگر مفاهیم و امور آثار و خواصی دارد که با استقرا و احصا آن، به ماهیت آن می‌رسیم. آنگاه می‌توانیم این ماهیت را با کلماتی بیان کنیم و درواقع تعریفی از آن عرضه نماییم (مظفر، ۱۳۶۵: بخش تعریفات).

مرسوم است ماهیت هرچیز را با بیان جنس، فصل و عَرَض تعریف می‌کنند. این روش که امروزه به نام روش پیشینی مشهور است، از دوره یونان باستان و فلسفه ارسطویی به ارث رسیده است. ولیکن در این تحقیق برای پی بردن به ماهیت وقف، علاوه بر شیوه پیشینی، از دو روش دیگر که یکی روش حقوقی و دیگری روشی است که توسط محقق، ارتکازی نامگذاری شده، استفاده می‌شود. بنابراین هدف، شناسایی و کشف ماهیت وقف و پول از سه طریق است: الف) روش پیشینی: تعریف‌های انتزاعی و پیشینی (بدون ملاحظه کارکرد، تأثیر، روابط و تعاملات درونی و بیرونی که تعریف، با استفاده از داده‌های لغوی یا منصوص شرعی ارائه می‌شود). ب) روش حقوقی: از طریق تحقق و شرایطی که صحت وقف به آنها وابسته است (پس از تحقق وقف و براساس کارکردش، به بیان ماهیت آن می‌پردازد). ج) روش ارتکازی: منظور از این شیوه برای

کشف ماهیت وقف این است که با توجه به استدلالات اقامه شده بر صحت یا عدم صحت وقف پول، به مرتکز ذهنی فقها از ماهیت وقف پی ببریم. برای کشف ماهیت پول در این شیوه به مرتکرات عرفی از پول که همان مالیت است، استدلال می‌گردد. البته در شیوه ارتکازی با توجه به اینکه وقف یک مفهوم فقهی، ولی پول یک مفهوم عرفی است، بین شیوه ارتکازی در بحث ماهیت وقف و شیوه ارتکازی در بحث ماهیت پول تفاوتی وجود دارد؛ بدین نحو که در شیوه ارتکازی شناسایی مفهوم وقف، ما به ارتکاز ذهنی فقها راه می‌یافتیم. این در حالی است که در شیوه ارتکازی شناسایی مفهوم، به دنبال یافتن ارتکاز ذهنی عرف عام مردم هستیم.

### ۳. تحلیل چیستی پول

در تحلیل چیستی پول، ابتدا تعاریفی را که در این خصوص، توسط دانشمندان عموماً ناظر به کارکردهای پول ارائه شده، بیان می‌شود. سپس مباحثی که درباره ماهیت پول ارائه نموده‌اند، به صورت تطور شکل‌گیری ذکر شده و در پایان با اشاره به ارتکازات موجود درباره پول، این بحث را خاتمه می‌دهیم. این سه بحث با این هدف مورد بررسی قرار می‌گیرد که چه در حوزه تعاریفات (شیوه پیشینی) و چه در حوزه ماهیت شناختی (شیوه حقوقی) و چه در حوزه ارتکازات (شیوه ارتکازی)، دیدگاه بیشتر اندیشمندان درباره پول بر محوریت مالیت می‌چرخد. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره نمودیم، مالیت، قابلیت بقا در فرض انتفاع را دارد که از ویژگی‌های اصلی صحت وقف است.

#### ۳.۱. شیوه پیشینی (تعاریف پول ناظر به کارکرد)

در این روش ماهیت پول با استفاده از تعاریف‌های انتزاعی و پیشینی ارائه شده توسط اندیشمندان کشف می‌گردد که بیشتر ناظر به کارکرد است. آنچه امروزه به عنوان پول رایج است، با آنچه در گذشته استعمال می‌شد، تفاوت دارد (یوسفی، ۱۳۸۰: ۸۴). در گذشته پول به صورت درهم و دینار و از جنس فلز طلا و نقره بود که فقها به طور کلی به آن ثمن می‌گفتند. علامه حلی در تعریف بیع صرف می‌گوید: «صرف، بیع ثمن‌ها با

ثمن‌ها، و ثمن طلا و نقره است». مقدس اردبیلی نیز پس از بیان همین تعریف گفته است: «ثمن اعم از طلا و نقره مسکوک و غیرمسکوک است». با توجه به تغییر و تحول اساسی که با گذشت زمان در عنصر پول صورت گرفته است، اقتصاددانان اغلب پول را چنین تعریف می‌کنند: «پول هر آن چیزی است که سه وظیفه واسطه در مبادلات، واحد محاسبه و ذخیره ارزش را انجام دهد. تا پیش از مارشال، تلقی اقتصاددانان این بود که کارکرد پول به صورت ذخیره ارزش، از کارکرد آن به صورت واسطه در مبادله بودن مستقل نیست» (میرمعزی، ۱۳۸۲: ۶۴).

گفتنی است هنگامی که دولت‌ها، در پی بحران‌های پدیدآمده، رابطه میان اسکناس و طلا و نقره را قطع نمودند، پول اعتباری به وجود آمد؛ زیرا ارزش پول در دادوستد، فقط اعتباری بود و مانند پول‌های پیشین، نزد عرف و عقلا، پذیرفتنی می‌نمود.

به این گونه پول‌ها که پشتوانه طلا و نقره نداشت، پول اعتباری گفته می‌شود که سه نوع دارد: الف) پول حکمی: این گونه پول را قدرت حاکمیت دولت‌ها، با امضای رئیس کل بانک مرکزی و وزیر دارایی یا خزانه داری پشتیبانی می‌کند و چون به فرمان و حکم دولت، در پرداخت‌ها به کار گرفته می‌شود، آن را پول حکمی می‌گویند. پول حکمی را دولت‌ها و بانک‌های مرکزی پخش می‌کنند. پول‌های کاغذی و سکه‌ای امروز پول حکمی هستند. ب) پول تحریری: این گونه پول را پول ثبتی، بانکی و دفتری نیز می‌نامند که در ابتدای قرن نوزدهم گسترش یافت و در کنار پول کاغذی و سکه‌ای به کار می‌رود. البته با آنها تفاوت‌هایی نیز دارد، از جمله اینکه فرد می‌تواند پول تحریری را نپذیرد؛ با کاهش یا افزایش اعتبار ذخیره قانونی، دگرگون می‌شود؛ با بدهی‌های نگهداری شده توسط بانک پخش‌کننده آن، پشتیبانی می‌شود؛ از نوع پول درونی محسوب می‌شود. ج) پول الکترونیکی: اخیراً افراد به جای به کارگیری از پول حکمی یا چک، از بانک‌داری الکترونیکی، استفاده می‌کنند و به وسیله نشانه‌های الکترونیکی، سپرده‌گذاری یا خرید می‌کنند. پول الکترونیکی، بده‌بستان پول حکمی را از حسابی به حساب دیگر آسان می‌کند.

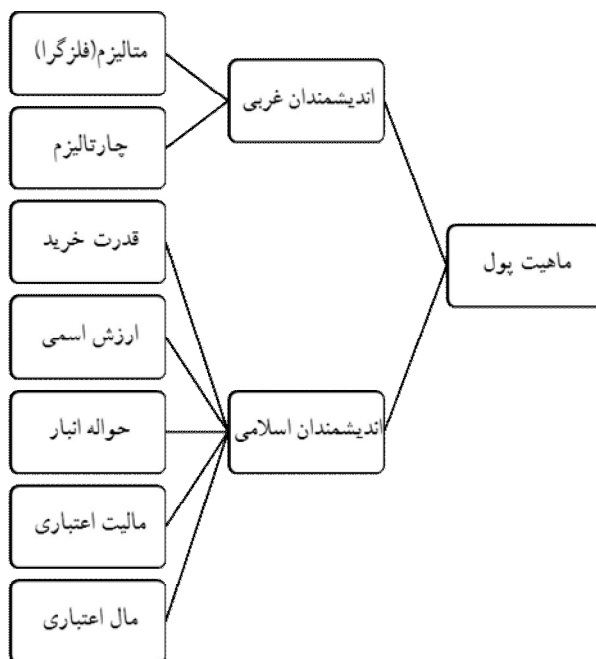
ارزش مبادله‌ای ریال یا پول‌های اعتباری کنونی از دو منبع سرچشمه می‌گیرد. یک منبع، قانون و حاکمیت است که ارزش اولیه را با تعریف واحد پول و تعیین عیار به آن می‌دهد. منبع دیگر آن کمیابی نسبی‌اش در برابر تولید ملی است که ارزش ثانویه را با حضور و انتشار خارجی از آن کسب می‌کند. هرچه تولید ملی افزایش یابد، ارزش این پول بیشتر می‌شود و اگر کاهش یابد، ارزش این پول کاهش می‌یابد (توسلی، ۱۳۹۴: ۸۶). بنابر آنچه بیان شد، اقتصاددانان و به تبع آن حقوق‌دانان، تعاریف مختلفی از پول ارائه نموده‌اند. برخی با توجه به کارکرد پول آن را تعریف و بعضی در تعریف پول بیشتر به ماهیت آن توجه کرده‌اند که می‌توان به‌طور خلاصه گفت: پول اعتباری چیزی است که ارزش مصرفی ندارد و مالیت و ارزش مبادله‌ای عام آن به واسطه مقبولیت عموم افراد جامعه به وجود آمده است (داوودی و همکاران، ۱۳۷۴: ۱۵).

در کتاب پول در اقتصاد اسلامی، پس از نقد و بررسی تعریف‌های پول، چند تعریف برای آن پذیرفته شده که از این میان دو تعریف زیر به‌خوبی ماهیت پول را بیان می‌کند: الف) پول چیزی است که بیانگر مالیت مال بوده، و خصوصیات شخصی آن از نظر عرف ملغی شده باشد. ب) پول عین مالیت مال و مجرد از هرگونه جنبه‌های خصوصی و شخصی اموال است (همان).

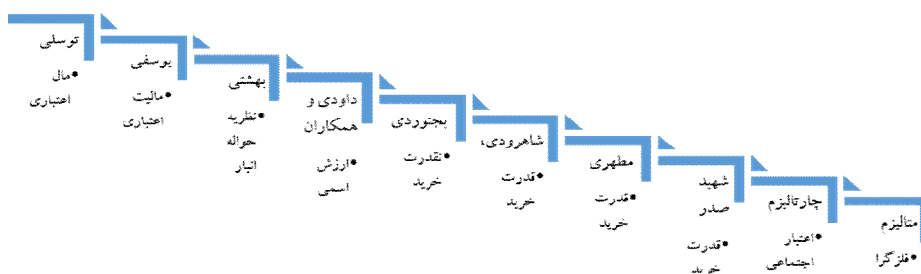
از مجموع تعاریف ارائه‌شده برای پول، درمی‌یابیم که ماهیت پول، چیزی جز مالیت نیست. این شیوه کشف ماهیت، که از تعاریف دانشمندان استخراج می‌شود، شیوه کشفی یا شیوه پیشینی نام دارد.



## سیر تکاملی بحث از ماهیت پول:



## نمودار ۱. نظریات اندیشمندان اسلامی و غیراسلامی درباره ماهیت پول



## نمودار ۲. سیر تطور بحث ماهیت پول

در طول تاریخ شکل گیری پول همواره سؤالات فراوانی فرا روی دانشمندان غربی و اسلامی درباره ماهیت پول بوده است و هریک از آنها در یافتن پاسخها به نقض و ابرام نظریات موجود می پرداختند و گاه نظریاتی بدیع و تازه در این زمینه شکل می گرفته است.

### ۳،۲. دیدگاه متالیزم و چارتالیزم

همان گونه که نمودارهای پیش رو بیان نموده، در اندیشه غربی دو نظریه متالیزم و چارتالیزم بسیار قوی جلوه نموده و هرکدام طرفداران خاص خود را پیدا کرده است. این دو مکتب در پی یافتن ریشه‌ها ماهیت و ارزش پول در چارچوب منطقی و تاریخی بوده است. متالیزم‌ها پول را مخلوق نظام بازار می‌دانستند که برای یافتن راه گریز از مشکلات مبادلات پایاپای ابداع شده است. ارزش پول در این نظریه از ارزش کالایی می‌آید که به عنوان واسطه مبادله به کار می‌رود. بنابراین اگر این پول سکه طلا و نقره باشد، ارزش آن به ارزش طلا و نقره در بازار برمی‌گردد و چنانچه به صورت پول کاغذی یا اسکناس باشد، ارزش آن به ارزش ذات فلزی وابسته است که پشتوانه آن می‌باشد. نئوکلاسیک‌ها طرفداران اصلی این نظریه بوده‌اند، ولی قدرت پاسخگویی به چالش‌های اساسی فراروی نظریه متالیزم را نداشتند؛ زیرا با ورود به دوران فراصنعتی، پول پیشنهادی این مکتب، یارای همراهی را نخواهد داشت. از این رو نظریه مقابل، یعنی نظریه چارتالیزم به شدت قوت یافت. اساس این نظریه بر این پایه استوار است که پول یک رابطه اجتماعی است که از هر ماده‌ای که پول در قالب آن نمود پیدا می‌کند، مستقل است. در این نظریه پول اعتباری است که بر اثر ارتباطات اجتماعی یا کنش‌های سیاسی تأسیس شده است. اساسی‌ترین اشکال این نظریه، یعنی عدم پاسخگویی صحیح به چیستی پول، اندیشمندان اسلامی را بر آن داشت تا درباره ماهیت و چیستی پول بحث‌های مهمی را مطرح کنند. در این بین چند نظریه را می‌توان از همه بااهمیت‌تر تلقی نمود که در ذیل به اختصار بیان می‌گردد (توسلی، ۱۳۹۴: ۳۴-۴۴).

### ۳،۳. دیدگاه شهید صدر (ره) درباره اسکناس و پول‌های کاغذی کنونی (نظریه قدرت خرید)

اولاً این پول‌ها ارزش و قیمت ذاتی ندارد و ارزش و قیمت خود را از قانون کسب نموده‌اند و اجباراً در بازار رواج داده شده است. ثانیاً علی‌رغم اینکه ایشان پول را مال مثلی می‌دانند، مثلیت پول را فقط در کاغذ و تعداد واحدهایی که بر روی آن مکتوب

است، نمی‌بیند؛ بلکه افزون بر آن مثل پول را هر آن چیزی می‌داند که قیمت حقیقی آن را مجسم کند. از این رو قیمت حقیقی پول همان قدرت خرید یا ارزش مبادله‌ای آن است. ثالثاً ارزش اسکناس، اعتباری محض است؛ زیرا بدون پشتوانه منتشر می‌شود و کاغذ آن بی‌ارزش است و ارزش خود را از قانون اکتساب نموده و به الزام قانون و حکومت در جریان است (صدر، ۱۹۹۴: ۱۴۶-۱۴۹).

### ۳،۴. دیدگاه آیت‌الله شاهرودی مبتنی بر توان خرید

ظاهراً برخی شاگردان شهید صدر، همچون آیت‌الله هاشمی شاهرودی، تحت تأثیر همین نظریه قرار گرفته و معتقدند که تمام هستی پول کنونی، در توان خرید آن است. ایشان در بیان تفاوت بین پول اعتباری و کالای حقیقی می‌گویند: «از ادله ضمان در شریعت و نزد عقلا می‌توان چنین نتیجه گرفت که ضمان فقط در مال است و نه مالیت، مالیت در کالای حقیقی فقط حیثیت تعلیلیه است و بر عهده نمی‌آید؛ اما در پول‌های اعتباری صرف چنین نیست؛ زیرا ارزش و توان خرید، همه هستی و اساس آنهاست؛ از این رو حیثیت تقییدیه (معیار و موضوع) است. به این معنا که مالیت پول اعتباری به اندازه ارزش مبادله و توان خرید آن است و به جنس حقیقی‌اش وابسته نیست؛ زیرا، جنس آن ارزش نداشته و اعتبار آن نیز بی‌بهاست. چون اعتبار به‌خودی‌خود مال نیست و مالیت به دنبال پشتوانه آن می‌آید. این توان اقتصادی صادرکننده است که درحقیقت این برگه‌ها را دارای توان خرید و ارزش مبادله‌ای می‌گرداند. معنای این سخن آن است که ارزش و مالیت این برگه‌ها درست به‌اندازه قدرت خرید آنهاست و نه چیز دیگر. بنابراین ناگزیر جایگزین همسان (مثل) پول دریافت شده یا از میان رفته، معادل خود آن پول در قدرت خرید و مبادله از همان نوع پول است» (شاهرودی، ۱۳۷۴: ۷۳).

### ۳،۵. دیدگاه آیت‌الله بجنوردی مبتنی بر قدرت خرید

ایشان نظریه مشابه شهید صدر داشته و معتقدند که تمام حقیقت و هویت اسکناس عبارت از قدرت بر خرید و توانایی بر رفع احتیاجات می‌باشد. ایشان بر این باور است

که اسکناس واقعاً واجد وصف مالیت نبوده، بلکه واجد وصف مالیت شمرده می‌شود. مالک اسکناس، مالک قدرت خرید معینی است و می‌تواند با چنین قدرتی نیازهای خود را به میزان همان توان خرید، یعنی به مقدار اسکناس‌هایی که دارد برآورده سازد (بجنوردی، ۱۳۷۲: ۱۰۸-۱۱۰).

### ۳,۶. دیدگاه آیت‌الله شهید مطهری (ره)

ایشان به ارتباط بین ارزش اسکناس و اعتبار و قرارداد معتقد بودند و همچنین بر این باور بودند که ارزش پول در سلسله معلولات مبادله است، ارزش پول مابعدالمعامله است، به‌خلاف کالاها که ارزش آنها ماقبل المبادله است. بدین معنا که قابلیت تبدیل پول به متاع دیگر، برای پول ارزش را به ارمغان آورده و بنابراین ملاک ذخیره ارزش بودن پول، قابلیت و استعداد تبدیل است (مطهری، ۱۳۶۴: ۱۷۲).

### ۳,۷. دیدگاه داوودی و همکاران

ایشان بر این باورند که مالیت پول اعتباری کنونی از نوع مثلی بوده، لذا پول اعتباری را مستحق احکام مال مثلی می‌دانند و ارزش اسمی (و نه قدرت خرید) را مقوم این مثلیت معرفی نموده‌اند (داوودی و همکاران، ۱۳۷۴: ۷۷).

### ۳,۸. دیدگاه شهید بهشتی

ایشان معتقد است که پول سند کار انباشته است و پول را به سند یا حواله انبار تعریف می‌کند؛ زیرا هر انباری آن را می‌پذیرند و برایش مقداری کار انباشته یا کار زنده تحویل می‌دهند (بهشتی، ۱۳۶۹: ۹۰).

### ۳,۹. دیدگاه حجت‌الاسلام یوسفی

ایشان معتقد است که پول دارای مالیت اعتباری است. وی در کتاب خود می‌گوید: «عقلاً با اعتبار ارزش مبادله‌ای محض برای کاغذپاره‌ای که با صرف‌نظر از آن اعتبار

هیچ گونه ارزش مبادله‌ای نداشت، تمام جنبه‌های خصوصی آن را الغا کردند و آنگاه آن را معادل همگانی سایر کالاها و خدمات تولیدی قابل مبادله قرار دادند. این اسکناس برخلاف پول‌های پیشین قابل خوردن، پوشیدن، تزیین و ... نیست و تنها اعتبار و توافق عرف و عقلا به آن ارزش داده است و هرگاه عرف و عقلا از آن توافق و اعتبار دست بردارند، اسکناس فاقد ارزش شده و تبدیل به کاغذپاره رنگی و بی‌ارزش می‌شود» (یوسفی، ۱۳۷۷: ۴۸). عرف و عقلا فقط آن ارزش مبادله‌ای را معیار سنجش سایر ارزش‌های اقتصادی اعتبار کردند؛ ولی مقدار ارزش مبادله‌ای و قدرت خرید در هر زمانی، چه در پول کاغذی و چه در پول غیرکاغذی، تابع قرارداد عرف و عقلا نیست؛ بلکه حجم کالاها و خدمات قابل مبادله به وسیله پول در جامعه می‌باشد (همان: ۴۹). درباره پول‌های کاغذی و خصوصاً پول تحریری سخن دیگری باید گفت؛ یعنی اصل مالیت آن اعتبار می‌گردد، نه اینکه ابتدا برای کاغذپاره رنگی فایده‌ای اعتبار می‌گردد تا به عنوان پول در مبادلات مورد استفاده قرار گیرد و پول تحریری هم چیزی جز ارزش مبادله‌ای اعتباری عام نیست؛ یعنی اصل مالیت آن به طور قطع اعتبار می‌گردد.

### ۳،۱۰. دیدگاه حجت‌الاسلام توسلی

ایشان که یکی از پژوهش‌های جدید خود را به تحلیل ماهیت پول اختصاص داده، در آخرین اظهارنظر خود پس از نقد نظریات ارائه شده قبل از خود، معتقد است که ماهیت پول، مال اعتباری است. وی در توضیح این نظریه می‌گوید:

«در رویکرد اصلی این تحلیل «پول از هر نوع، چه از نوع کالایی و کاغذی و چه از نوع الکترونیکی و از هر حیث، چه از حیث واحد سنجش ارزش و چه از حیث ذاتی که واسطه مبادله قرار می‌گیرد، دارای مراتبی از قرارداد است». فرضیه اساسی تحقیق درباره پول‌های کنونی این است که «همه مراتب پول‌های کنونی قراردادی است و با جعل و اعتبار پدید آمده است». موجود غیرفیزیکی و تازه‌ای که قانون ابتدا ذات آن را با اعتبار ایجاد می‌کند، آنگاه ارزش مبادله‌ای اولیه‌اش را برابر با ارزش مقدار خاصی از طلا که

ارزشش نزد همه شناخته شده است، تعریف می کند، سپس آن را پول در گردش قرار می دهد و منتشر می کند. از این رو عنوان این تحلیل را «مال اعتباری» در نظر گرفتیم. نظریه مال اعتباری ضمن پوشش نظریات دیگر از ایرادات وارد بر آنها مبرا است و نتایج خاص خود را دارد. از جمله اینکه این نظریه با تفکیک و نمایاندن ذات مال و وصف مالیت در پول کنونی می تواند عواملی را که موجب نقص در ذات این مال می شوند و چگونگی این نقص و نحوه ضمان و جبران کاهش ارزش و همچنین عوامل نقص در مالیت را به خوبی نشان دهد. از نتایج این تحلیل آن است که همه پول ها را با تحلیل واحد توضیح می دهد. بر اساس تحلیل جدید هم ذات این مال اعتباری است، هم مالیت اولیه آن. ضمن اینکه این نظریه با تفکیک و نمایاندن ذات مال، دو مالیت اولیه و ثانویه را در پول کنونی تشخیص داده است، با این تفاوت که مالیت ثانویه، نسبی، طبیعی و متغیر است؛ از این رو می تواند عواملی را که موجب نقص در این مال می شوند و چگونگی این نقص و نحوه ضمان و جبران کاهش ارزش و همچنین عوامل نقص در مالیت را به خوبی نشان دهد (توسلی، ۱۳۹۴: ۹۳).

برای شناخت ماهیت پول باید بدانیم که آیا پول مال است و مالیت دارد یا خیر؟ در فقه اسلامی مال به چیزی تعریف شده است که مورد رغبت و تقاضای عقلا باشد؛ به گونه ای که حاضر باشند در مقابل آن عوضی بپردازند (نمازی فر، ۱۳۹۲: ۱۲). به طور کلی مالیت پول در صورتی اثبات می شود که همبستگی بین وسیله مبادله بودن، معیار سنجش ارزش بودن و ذخیره ارزش بودن پول پذیرفته شود. با پذیرفتن مالیت پول، دیگر نمی توان پول را حواله صرف دانست؛ زیرا اگر پول صرفاً حواله و سند مبادله باشد، خود حواله مالیت و ارزش ندارد. لذا برای اثبات مالیت پول، باید همبستگی وظایف آن مورد بحث قرار گیرد. پس در این مقام پرسش اساسی این است که آیا دو وظیفه اول و دوم می تواند منفک از وظیفه سوم باشد؟ آیا پول به عنوان پول می تواند وسیله مبادله و معیار سنجش ارزش کالاها و خدمات بوده، ولی وظیفه سوم را نداشته باشد؟

واقعیت این است که تا پول وسیله ذخیره ارزش نباشد، نمی‌تواند وسیله مبادله و معیار سنجش ارزش قرار گیرد؛ زیرا فرض بر این است که مشکلات عدیده مبادله پایاپای (همچون فقدان واحد مشترک سنجش ارزش، ناهماهنگی بین احتیاجات طرفین مبادله و فقدان ذخیره کردن قدرت خرید خالص) موجب شده است پدیده‌ای به نام پول به وجود آید. درواقع حل این مشکلات به واسطه پول جستجو می‌شده است. بنابراین توجه به مشکلات مزبور ساده‌ترین راه برای اثبات مالیت پول است. به عبارت دیگر مالیت پول را می‌توان پذیرفت به دلیل اینکه دو وظیفه وسیله مبادله و معیار سنجش ارزش بودن پول از وظیفه سوم، یعنی ذخیره ارزش بودن پول قابل تفکیک نیست؛ زیرا اولاً فلسفه پیدایش پول، حل مشکلات مبادله پایاپای خالص بوده است، و حل مجموعه این مشکلات در قالب پول امکان ندارد، مگر اینکه عنصری به‌عنوان ارزش مبادله‌ای محض، اعتبار شود که لازمه آن به عهده گرفتن وظایف سه‌گانه یادشده است. ثانیاً پول در صورتی ممکن است معیار سنجش ارزش مبادله‌ای کالاها تلقی شود که خود ارزش مبادله‌ای داشته باشد. بنابراین پول در سایه اعتبار و مقبولیت عامه، دارای ارزش مبادله‌ای محض شده، و لوازم غیر قابل انفکاک این ارزش مبادله‌ای خالص این است، که پول به‌طور هم‌زمان وسیله مبادله، معیار سنجش ارزش و ذخیره ارزش به حساب می‌آید. درواقع بین این وظایف همبستگی کامل وجود دارد، و بر همین اساس است که پول، مال محسوب می‌شود؛ زیرا هرچیزی که اولاً دارای فایده‌ای باشد و نیازی از نیازهای شناخته‌شده انسان را رفع کند. ثانیاً کمیابی نسبی داشته باشد، مورد رغبت و مطلوبیت و تقاضا و عرضه قرار می‌گیرد. پول نیز در پرتو اعتبار دولت و مقبولیت عامه دارای فایده بوده، و در مقایسه با نیاز موردنظر، کمیابی نسبی دارد، و درواقع دارای مالیت اعتباری است. پول در سایه اعتبار بودنش، ارزش مبادله‌ای محض دارد و درنتیجه وظایف ذخیره ارزش، معیار سنجش و وسیله مبادله بودن را ایفا می‌کند (داوودی و همکاران، ۱۳۷۴: ۲۰-۲۴). شهید مطهری این واقعیت را چنین بیان کرده که قابلیت پول برای اینکه به وسیله آن، اموال دیگر کسب شود، صفتی است که موجب ارزش پول شده است

(مطهری، ۱۳۶۴: ۲۸).

با بررسی ماهیت پول در نظریات دانشمندان، ذهن به این متبادر می‌شود که همه بحث‌ها و نظریات اسلامی<sup>۱</sup> بر محور مالیت بنا شده است. لذا می‌توان اذعان کرد که همه کارشناسان، مالیت را قرین ماهیت پول تلقی می‌کنند، اگر چه در تفسیر آن، با یکدیگر تفاوت‌هایی نیز دارند.

### ۳.۱۱. ارتکازات پیرامون پول

با رجوع به عرف مردم درمی‌یابیم که مردم در پول به مالیت آن نظر دارند ارتکاز ذهنی مردم از پول چیزی جز مالیت نیست؛ از همین رو اگر کسی مبلغی پول شاهنشاهی را نزد کسی به ودیعه گذاشته باشد، آن شخص در صورت پیدایش انقلاب، ملزم به تعویض پول‌های شاهنشاهی به پول‌های جدید است و اگر این کار را انجام ندهد، به این شخص خسارت زده و ذمه او مشغول است. یا شاهد دیگر بر ارتکاز عرفی این است که مردم هنگام مراجعه به بانک اگر صد هزار تومان به بانه‌دار دادند و همان وقت از او تقاضا کنند که پول را به آنها برگرداند، و صد هزار تومان دیگری به آنها برگرداند، اعتراضی نمی‌کند و اگر هم اعتراض نمایند، عقلای عالم او را مذمت می‌نمایند.

علاوه بر ارتکاز بالا نکته دیگری که باید بدان توجه داشت اینکه ویژگی تحول‌یافته پول که بیانگر ماهیت مثلی آن است، باعث می‌شود که مثل پول جانشین عین پول شود و اصل پول بر اثر وقف آن به‌رغم تغییر عین آن باقی بماند (حائری، ۱۳۸۶). لذا عبارت تحبیس الاصل و تسبیل الثمره شامل پول می‌شود؛ زیرا هر چند در صورت وقف پول، مثل آن به متولی وقف برمی‌گردد، ولیکن این مثل جانشین عین پول شده و عرف بین این جانشین و پول اصلی هیچ فرقی قائل نشده و ماهیت پول هم این عینیت را پذیراست. لذا عرف ابراز می‌کند که تحبیس الاصل در پول وقف‌شده وجود دارد.

بنابراین در مورد پول‌های امروزی باید گفت که هیچ عینیتی به غیر از مالیت و

۱. به استثنای نظریه داوودی و بهشتی.



قدرت خرید ندارند؛ زیرا عقلا به اعیان و اشخاص پول هیچ توجهی ندارند، بلکه به مالیت آن توجه دارند. قرائنی که به این مطلب دلالت دارد، عبارت است از:

(الف) مالیت پول حتی با تبدل عین پول، برقرار است؛ زیرا عرف در صورت تبدل عین پول، حکم به از بین رفتن پول نمی‌کند.

(ب) مالیت پول ارتباطی با عین پول ندارد؛ چراکه پول‌های قدیم از جنس طلا و نقره بود که پول‌های رایج امروزی فاقد این ویژگی است؛ ولیکن عرف مالیت را برای آنها قائل است. این مطلب شاهی بر این است که پول با از بین رفتن عین، مالیت خود را از دست نمی‌دهد.

بنابر شواهد بالا می‌توان اذعان نمود که ذهن عقلا، برای برقراری ارتباط بین پول و شخص، عین پول کاغذی را معیار و ملاک قرار نداده، بلکه مالیت پول را معیار قرار می‌دهد؛ بنابراین تا هنگامی که میزان مالیت آن مبلغ پول پابرجا باشد، عقلا حکم می‌کنند که این شخص پول‌دار است؛ ولی همین که مالیتش از دست برود، حکم به از بین رفتن پول می‌کنند. آیت‌الله هاشمی شاهرودی بر همین اساس قائل به جواز وقف پول شده است.

#### ۴. ماهیت وقف

همان‌طور که در بحث متدولوژی تحقیق بیان شد، می‌توان به ماهیت وقف از سه روش پیشینی، حقوقی و ارتکازی پی برد.

##### ۴.۱. شیوه پیشینی

در این روش ماهیت با استفاده از تعریف‌های انتزاعی و پیشینی کشف می‌گردد. لذا در ادامه تعاریف فقها از وقف بیان شده و با توجه به آنها ماهیت وقف کشف می‌گردد. فقها تعاریف مشابهی برای وقف کرده‌اند و به نظر می‌رسد مدرک تمامی آنها، حدیث نبوی است که پیامبر (ص) فرمود: «حبس الاصل و سبل الثمرة؛ اصل را نگه دار و ثمره را جاری ساز». براین اساس شیخ طوسی وقف را به تحبیس الاصل و تسبیل

المنفعه تعریف کرده است. همچنین در دراللثالی، از قول پیامبر (ص)، حدیثی به این مضمون نقل شده است: «ان شئت حبست اصله و سبلت ثمرتها». همین طور در حدیث دیگر آمده: «تحبیس الاصل و اطلاق المنفعه؛ وقف، نگه داشتن اصل و رها کردن منفعت است». شهید اول می گوید: «وقف حبس کردن اصل مال و رها کردن منفعت است». محقق حلی نیز می گوید: «الوقف عقد ثمرته تحبیس الاصل و اطلاق المنفعه» (محقق حلی، ۱۴۰۸ق: ج ۲، ص ۲۱۱). در پی او، علامه حلی در قواعد نیز همین تعریف محقق را آورده است: «وقف عقدی است که ثمره آن حبس اصل و رها کردن منفعت است» (فخر المحققین، ۱۳۸۷ق: ج ۲، ص ۳۷۷). صاحب جواهر نیز در تعریف وقف می گوید: «وقف، عقدی است که نتیجه آن، ایستایی اصل و رهایی منافع آن است» (نجفی، ۱۹۹۴م: ج ۲۸، ص ۹۴).

در کتب القواعد، التفتیح، ایضاح النافع و الکفایه نیز همین تعریف انتخاب شده است (همان: ص ۳). در کتب لمعه (شهید ثانی، چاپ سنگی: ج ۱، ص ۲۹۸) و مبسوط هم همین تعریف انتخاب شده (شهید اول، ۱۴۱۷ق: ۴۸۷) با این تفاوت که کلمه ی «عقد» بیان شده است. در تعریف دیگری که برای وقف بیان شده، به جای «اطلاق» تسبیل آمده است. در صحاح آمده است: «سبلان فلان ضیعتہ؛ یعنی فلانی مال خود را در راه خدا قرار داد» (جواهر الکلام، ۱۴۲۴ق: ج ۲۸، ص ۳). صاحب جواهر این تعریف را بهتر می داند؛ چراکه کلمه «تسبیل» در مقابل «تحبیس» به کار رفته است. شهید ثانی در شرح لمعه (شهید ثانی، چاپ سنگی: ج ۳، ص ۱۷۸) در تعریف وقف به حدیث نبوی اشاره کرده است: «الوقف حبس الاصل و سبل الثمره». امام خمینی (ره) نیز در تحریر الوسیله می فرماید: «و هو «الوقف» تحبیس العین و تسبیل المنفعه» (خمینی ۱۴۰۷ق: ج ۲، مسائل ۷۳ و ۸۳). آیت الله خویی در منهاج الصالحین طبق روایت وارده از پیامبر اکرم (ص) که فرموده اند: «حبس الاصل و سبل الثمره». وقف را چنین تعریف کرده است: «و هو تحبیس الاصل و تسبیل الثمره» (عسگری، ۱۳۹۰: ۴۹).

با توجه به تعاریف ارائه شده توسط فقها، از روش پیشینی می توان ادعا کرد که همه

فقهها در اینکه ماهیت وقف، تحبیس الاصل و تسبیل الثمره یا بقا در فرض انتفاع است، نظر واحدی دارند.

## ۴,۲. شیوه حقوقی

فقیهان و حقوق دانان هر آنچه شرایط صحت را نداشته باشد، اساساً فاقد عنوان می‌دانند. درواقع ماهیت عنوان فقهی مشروط به شرایطی است که بدون آن شرایط، اصل ماهیت زائل می‌گردد.

از سوی دیگر، ماهیت وقف با احصای شرایط و انطباق آنها با واقعیت‌ها قابل شناسایی است. بنابراین شرایطی که فقهها و حقوق‌دانان برای وقف مطلوب در نظر گرفته‌اند، نشانگر این است که یک وقف در چه شرایطی صحیح و در چه شرایطی غیرصحیح، یا وقف در چه شرایطی واقعاً وقف است و در چه شرایطی واقعاً وقف نیست تا تعریف‌پذیر باشد. این مباحث نشانگر تعریف فقهها از وقف و ماهیت آن است. درواقع در یک روش، برای شناخت ماهیت یک پدیده می‌توان به شرایط تحقق آن نظر افکند. با این توضیح که پدیده‌ها، چند لایه دارند. این لایه‌ها را درگاه وجودهای یک پدیده نامیده و گفته‌اند: وجود ذهنی، وجود کتبی و لایه عینی و خارجی، سه لایه مهم پدیده‌ها هستند. وقف نخست به صورت یک نقشه ذهنی است. بعداً روی کاغذ ترمیم می‌شود و آنگاه اجرا می‌گردد. شرایط درواقع زمینه‌ها و عوامل اجرای این مفهوم است. برای اینکه وقف از یک مفهوم ذهنی یا یک توصیف مکتوب به یک واقعیت عینی تبدیل شود، نیاز به عوامل و زمینه‌هایی دارد که اصطلاحاً به آن شرایط گفته می‌شود. اما اگر بخواهیم این پدیده را بشناسیم، یک روش این است که واقعیت خارجی و عینی این پدیده را بررسی کنیم و ببینیم آیا شرایطی که در مرحله ذهنی و کتبی ملحوظ بودند تحقق یافته و اجرا شده‌اند؟ این گونه تحلیل‌ها، نوعی شناخت به ما می‌دهد که از آن به روش حقوقی برای شناخت وقف یاد کرده‌ایم.

## ۵. شرایط وقف

در موضوع وقف، شرایطی که موجب صحت یا فساد وقف می‌شود، یعنی ایجادکننده حکم وضعی است؛ و نیز شرایطی که احکام تکلیفی در پی دارد، به چند دسته تقسیم می‌شوند که نمونه‌های مشهور هر دسته در اینجا معرفی می‌گردند:

### ۵.۱. شرایط عین موقوفه

به اتفاق تمام مذاهب، وقف دارای چهار رکن است: صیغه، واقف، عین موقوفه و موقوف علیه.

در شرع و قانون، هر یک از این چهار رکن باید با شرایط شرعی و قانونی خاص اجرا شود تا وقف به صورت صحیح تحقق یابد (معرفت، ۱۳۷۶: ۳۲-۳۷) اما مال موقوف یا عین موقوفه باید دارای چهار شرط باشد:

الف) عین باشد، نه دین یا منفعت؛ ب) با بقای عین بتوان از آن انتفاع برد؛ ج) ملک واقف باشد، نه ملک دیگری؛ د) امکان قبض آن باشد.

تحقق وقف منوط به عین بودن موقوف، قابلیت انتفاع داشتن، مملوک و مقبوض واقف است. یعنی همه اینها در ماهیت وقف مدخلیت و مشارکت دارند. از سوی دیگر تعریف وقف منوط به اینهاست. از سوی دیگر هر نوع کارآمدی از دیدگاه اسلام قابل قبول نیست، بلکه وقفی مقبول است که مشروط به شرایط خاص باشد. برای کارآمد شدن این وقف باید تدبیر نمود.

صاحب جواهر و بسیاری از فقها، قانون کلی اینکه چه چیزی را می‌توان وقف کرد، چنین گفته‌اند: «هر چیزی را که بتوان با حفظ عین آن، منفعت حلالی برد، وقف کردن آن صحیح است». بنابراین می‌توان گفت که تلقی شارع در وقف این است که اصل مال بادوام باشد و با استفاده معمول از آن از بین نرود و صرفاً از منافع و ثمره آن بهره‌مند گردند.

اغلب پژوهشگران ویژگی مهم و قابل توجه وقف را استمرار و بقای اصل موقوفه

می‌دانند. هدف شارع این بوده که نهاد وقف بر شالوده‌های مستحکم و بدون زوال تکیه کند تا بتواند از عواید و منافع آنها، نیازهای تعیین شده را به خوبی برطرف سازد.

## ۵,۲. تغییر شرایط

از مباحث فوق معلوم می‌شود که صحت وقف مشروط به شرایطی است و این شرایط هویت وقف را تشکیل می‌دهند که در هر دوره زمانی ممکن است تغییر کنند. مثلاً امروزه پول وضعیتی پیدا کرده که می‌توان با سپرده‌گذاری، اصل آن را ثابت نگه داشت و منافع آن را در راه خیر مصرف کرد. مثلاً می‌توان گفت هر آنچه به گونه‌ای باشد که در شرایط مختلف بتوان از آن درآمد کسب کرد، هر چند اصل موقوفه هم ثبات و دوام نداشته باشد و متغیر و زایل‌شونده باشد، اما همین قدر که توان تولید ثمره و خلق منفعت را دارد، وقف آن مشروع است. به هر حال تفسیرهای جدید درباره شرایط، تلقی و تعریف را دستخوش تغییر کرده است.

دوام و استمرار وقف به این معناست که هرگاه بر مالی، به‌ویژه در مورد املاک، مهر و نشان وقف بخورد، آن مال برای همیشه وقف خواهد ماند و خارج ساختن یک موقوفه از حالت وقفی مستلزم طی کردن فرآیندی طولانی و مشکل خواهد بود، البته در صورت موافقت مراجع و محاکم قضایی یا مراجع تقلید، تعویض اموال و املاک وقفی به موارد بهتر یا به مواردی که ارزش مساوی داشته باشند، اشکال ندارد. اموال و املاک جدید نیز همچنان وقف هستند و در راستای همان اهداف و مقاصد اموال و دارایی‌های پیشین استفاده می‌شود. بنابراین در مقام نظر، حالت دوام و استمرار وقف مستلزم این معناست که اموال یا املاک وقفی نباید کاهش یا تقلیل یابد؛ و به دلیل لزوم همین ویژگی (دوام) در وقف بوده که برخی از فقها وقف را فقط در مورد املاک و مستغلات (که حالت بقا و استمرار دارند) صحیح دانسته‌اند. عده‌ای از فقها نیز برخی کالاهای بادوام را که منافع و عواید بلندمدت دارند، به منزله املاک و مستغلات گرفته‌اند. بنابراین کتاب، وسایل و ابزار، احشام و پول را نیز می‌توان وقف کرد (رحمانی، ۱۳۷۶: ۶۲).

از طریق کاوش در شرایطی که فقها برای وقف صحیح و مطلوب گفته‌اند، به ماهیت وقف می‌رسیم. یعنی درمی‌یابیم که شریعت اسلام درصدد تأسیس نهادی است که دارای سرمایه ثابت باشد و علاوه بر ثبات سرمایه، منافع و سوددهی هم داشته باشد. این شرایط فقهی حقوقی نشانگر ماهیت وقفی است که منظور نظر اسلام و فقهای مسلمان بوده است.

### ۵.۳. شیوه ارتکازی

منظور از این شیوه برای کشف ماهیت وقف این است که با توجه به استدالات اقامه‌شده بر صحت یا عدم صحت وقف پول، به مرتکز ذهنی فقها از ماهیت وقف نائل شویم. در ادامه ادله‌ای که فقهای موافق و مخالف بر صحت و عدم صحت وقف پول اقامه نموده‌اند، بیان و اثبات می‌شود که مرتکز همه آنها از ماهیت وقف چیزی جز بقا در فرض انتفاع نیست. با توجه به ادله‌ای که فقها در باب موافقت یا مخالفت با وقف پول اقامه نموده‌اند، می‌توان ادعا نمود که روح حاکم بر کلام موافقان<sup>۱</sup> و مخالفان<sup>۲</sup> این است که همگی دارای برداشت واحدی از مذاق شارع بوده و بر این باورند که ماهیت تشریع وقف، تحبیس الاصل و تسبیل الثمره است؛ لیکن اختلاف از اینجا نشئت گرفته است که مخالفین وقف پول، بقاء در فرض انتفاع را برای پول باور نداشته و موافقین معتقدند که با توجه به اینکه ماهیت پول، مالیت است و مالیت، می‌تواند در فرض انتفاع، باقی بماند ماهیت وقف پول با ماهیت کلی وقف همسو است؛ بنابراین وقف پول صحیح است.

۱. مکارم شیرازی (پاسخ به استفتای محقق)، سید محمود هاشمی شاهرودی (شاهرودی، بی‌تا: ج ۲، ص ۳۴۳) مظاهری (سؤال کمیته فقهی بورس)، گرامی (سؤال کمیته فقهی بورس) صانعی (سعادت‌فر، ۱۳۸۶) صحت وقف پول را پذیرفته‌اند.

۲. گلپایگانی (گلپایگانی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۳۴۹)، اراکی (اراکي، ۱۴۱۵: ج ۲، ص ۱۲۹)، امام خمینی (ره) (خمینی، ۱۴۲۲: ج ۲، ص ۴۴۵)، حکیم (حکیم، ۱۴۱۵: ج ۲، ص ۲۷۲) و... قائل به عدم صحت وقف پول هستند.

## ۶. شواهد موجود در ادله موافقین صحت پول

### ۶.۱. تمسک به عمومات وارده در باب وقف و استناد به ممکن بودن انتفاع

قائلان به صحت وقف پول، به عمومات وارد در باب وقف مانند: «حبس الأصل و سبل الثمره» و «الوقوف علی حسب ما یوقفها أهلها» تمسک نموده‌اند. سبزواری (سبزواری، ۱۴۱۳ق: ج ۲۲، ص ۴۵) و شیخ طوسی (به نقل از: نجفی، ۱۴۲۱ق: ج ۲۸، ص ۱۹) قائلند که وجه‌ترین نظریه درباره وقف دراهم و دنانیر، نظریه صحت است؛ اولاً به دلیل اینکه امکان انتفاع از آن با تحلی وجود دارد،<sup>۱</sup> ثانیاً صحت عموماتی (همانند قول امام (ع) حبس الاصل و سبل الثمره) که بر جواز دلالت می‌کند. با توجه به اینکه در دلیل اول صحت وقف پول گفته شده که در فرض تحلی، امکان انتفاع وجود دارد؛ گویا ادامه انتفاع از موقوفه را مسلم گرفته‌اند. در دلیل دوم نیز به قول امام (ع) استناد شده که حضرت جریان وقف را فقط در شیئی مجاز دانسته است که قابلیت تحبیس الاصل و تسبیل الثمره دارد.

### ۶.۲. اشکال بر اصل دلیل دال بر عین خارجی بودن موقوفه

مخالفین صحت وقف پول قائلند که موقوفه باید عین خارجی باشد؛ بنابراین با توجه به اینکه پول، عین خارجی نیست و قفش صحیح نمی‌باشد. از ناحیه فقهای موافق صحت پول سه اشکال بر اصلی ایراد شده که بر عین خارجی بودن موقوفه دلالت می‌کند که هر سه حاکی از این است که فقها، بقا در فرض انتفاع یا همان تحبیس الاصل و تسبیل الثمره را به عنوان ماهیت پول پذیرفته و بدان استناد می‌نمایند.

الف) این حکم که در موقوفه لازم است عین موقوفه، به نحوی باشد که در صورت

۱. از ظاهر کلام بیشتر موافقان وقف دراهم و دنانیر برداشت می‌شود که آنها وقف درهم و دینار را فقط در فرض حلی پذیرفته‌اند، اگر چه فقهای اخیر همچون مکارم شیرازی (پاسخ به استفتاء در مقاله نظری و کاظمی (۱۳۹۵)، سید محمود هاشمی شاهرودی (شاهرودی، بی‌تا: ج ۲، ص ۳۴۳) مظاهری (سؤال کمیته فقهی بورس)، گرامی (سؤال کمیته فقهی بورس) صانعی (سعادت‌فر، ۱۳۸۶) بدون در نظر گرفتن این فرض وقف پول را صحیح می‌دانند.

انتفاع از آن، عین آن باقی بماند؛ نتیجه طبیعی هویت و حقیقت وقف است. زیرا ماهیت وقف را به تحبیس الاصل و تسبیل الثمره تعریف نموده‌اند و این تحبیس الاصل در صورتی رخ می‌دهد که عین باقی و منافع جاری باشند. لیکن این تحبیس الاصل و تسبیل الثمره، باعث خروج وقف پول از دایره جواز نمی‌گردد؛ زیرا در مورد وقف پول، ما تحبیس الاصل را به تحبیس المالیه معنا می‌کنیم. پس مادامی که مالیت پول محبوس و منافع آن جاری باشد با ماهیت وقف هیچ ناسازگاری نخواهد داشت (سعادت‌فر، ۱۳۸۶). با توجه به مطالب ذکر شده قیاس وقف پول به وقف غذا، آب و شمع در برخی از متون فقهی بدون توجیه است؛ زیرا موارد مذکور به صرف مصرف مستهلک می‌شوند، ولی پول به اعتبار بقای مالیت، می‌تواند باقی باشد. نکته‌ای که در این مقام باید بدان توجه نمود اینکه بطلان وقف موقوفات مصرفی همچون غذا و شمع و ... شاهی بر این است که ماهیت وقف، چیزی جز دوام در فرض انتفاع نیست.

ب) در بعضی روایات، از وقف تعبیر به «صدقه لا تباع ولا تورث»، أو «صدقه مبتولۀ» شده است. لسان روایات وقف، لسان انحصار نیست؛ خصوصاً اگر وصف لا تباع و ولا تورث قیدی از طرف واقف نیست، بلکه بیانگر طبیعت وقف شرعی است. بنابراین منظور از آوردن این قیود، این است که وقف به واسطه بیع یا ارث از وقف بودن خارج نگردد. خروج از وقف به واسطه بیع، در وقف پول راه ندارد؛ زیرا هر چند از یک پول به پول دیگر تبدیل شود باز هم، مالیت ثابت می‌ماند. بیع پول همانند بیع اعیان نیست؛ زیرا در بیع اعیان، با تبدیل عین ویژگی‌های عین مورد نظر از بین می‌رود. چه بسا این بدل هدف واقف از عین وقف شده را تأمین نکند؛ ولیکن در وقف پول چون مالیت، ثابت است در صورت تغیر یک پول به پول دیگر، هر دو پول غرض واقف را به نحو یکسانی برآورده می‌کنند. نهایتاً اینکه آن مالیت بین پول، کالا و ... در جریان است. بنابراین قیاس وقف پول به وقف عین صحیح نیست.

ج) در برخی نصوص از وقف تعبیر به صدقه جاریه شده، صدقه جاریه در جایی محقق می‌شود که اصل ثابت و منافع آن در جریان باشد. درواقع این دسته از احادیث



درصدد بیان دو نوع صدقه است: یکی صدقه غیرجاریه و دیگری صدقه جاریه که همان وقف است؛ زیرا در غیروقف، جریان، معنا ندارد.

آنچه این نصوص درصدد بیان آن می‌باشد، این است که اصل ثابتی وجود دارد که منافع آن در جریان است. و این نصوص درصدد حصر آن اصل در عین جزئی خارجی نیست. پس تنها اشیائی که مستهلک می‌شوند از دایره وقف خارج می‌گردند و هیچ دلیل معتبری بر پذیرش این شرط که این اصل ثابت، حتماً باید عین جزئی خارجی مادی باشد، وجود ندارد. علاوه بر اینکه روایت حبس العین ندارد، بلکه حبس الاصل دارد به عنوان مثال پول الکترونیکی بدون وجود مابه‌ازا عینی است، ولی در مورد آن اصل سرمایه معنا دارد.

### ۶.۳. بطلان وقف دین، منفعت و مال مبهم به خاطر مخالفت با ماهیت وقف

برخی مخالفان برای استدلال به عدم صحت وقف پول به فقدان شرط عین بودن موقوفه استناد کرده و گفته‌اند که مال موقوفه نمی‌تواند پول باشد (دادگر، ۱۳۸۶). موافقان، به این استدلال بدین نحو اشکال کرده‌اند که در کلام فقها، عین در مقابل دین، منفعت و مال مبهم و کلی قرار گرفته، نه در مقابل نقود (مصطفوی، ۱۴۲۳ق: ۶۱۸)، لذا این برداشت با صریح کلمات فقها در تناقض است. به علاوه فقها بر صراحت کلام خود با استدلال افزوده و فرموده‌اند که: وقف دین، منفعت و مال مبهم صحیح نیست؛ زیرا در وقف باید اصل مال حبس و منافع آن تسبیل شود و از آنجاکه دین وجود خارجی ندارد، بلکه امری کلی و فی‌الذمه است وقف آن باطل است. در وقف منفعت نیز چون به تدریج و با بهره‌برداری آن، منفعت موجود معدوم می‌شود و بقا ندارد، وقف آن صحیح نیست و با هدف وقف منافات دارد (خراسانی، ۱۴۱۳ق: ۸) همچنین وقف این سه گروه با ظاهر ادله که تحبیس الاصل و تسبیل الثمره است، منافات دارد (نجفی، ۱۴۲۱ق: ج ۲۸، ص ۱۵).

#### ۶.۴. مدرکی بودن اجماع بر عدم صحت وقف پول

سرائر (حلی، ۱۴۱۰ق: ج ۳، ص ۱۵۴) و دروس (عاملی، ۱۴۱۷ق: ج ۲، ص ۲۶۹) قائلند که وقف دراهم و دنانیر بدون هیچ خلافی صحیح نیست. ظاهر این عدم خلاف، عدم خلاف بین مسلمانان است. پس این ادعا مفید اجماع است، چنانچه برخی همانند جامع المقاصد و صاحب حدائق بدان تصریح نموده‌اند.

موافقان صحت وقف پول معتقدند که اجماع مذکور در مسئله مدرکی است؛ چرا که دلیل فقها بر این اجماع آن است که فقها آن را با ماهیت وقف که بقای اصل و تسبیل منفعت است، منافی دانسته‌اند. و چنانکه می‌دانیم اجماع مدرکی فی نفسه حجت نیست (دادگر، ۱۳۸۶). از این رد و ابرام در مسئله اینگونه برمی‌آید که ماهیت وقف که بقاء اصل و تسبیل منفعت است برای مجمعان و مخالفان اجماع، امری مسلم و پذیرفته شده است؛ زیرا اجماع از طرف موافقان اجماع بر اساس آن بنا نهاده شده و از طرف مخالفان به خاطر مبتنی بودن بر آن، مدرکی و بدون حجیت تلقی شده است.

#### ۷. شواهد موجود در ادله مخالفین صحت وقف پول

##### ۷.۱. استناد عدم صحت وقف پول به تنافی با ماهیت وقف

نجفی (نجفی، ۱۴۲۱ق: ج ۲۸، ص ۱۹)، شیخ ابن ادریس و ابن براج (به نقل از: علامه حلی، ۱۴۱۳ق: ج ۶، ص ۳۳۰)، حلی (حلی، ۱۴۱۷ق: ۲۹۷)، کیدری (کیدری، ۱۴۱۶ق: ۳۴۵)، ابن ادریس (حلی، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ص ۴۷۹) و سبزواری (سبزواری، ۱۴۲۱ق: ۳۶۶) اولین دلیل بر عدم صحت وقف را این می‌دانند که غیر از تصرف، هیچ نفعی برای درهم و دینار وجود ندارد، و این با ماهیت وقف، که بقای وقف است، منافات دارد؛ زیرا مشابه مأكول و مشروب است. همچنین علامه حلی (حلی، ۱۴۰۸ق: ج ۲، ص ۱۶۷)، کاشف الغطا (نجفی، ۱۴۲۴ق: ج ۳، ص ۱۳) و طباطبایی (حکیم، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ص ۲۷۳)، پس از بیان دو قول مخالف در مورد وقف درهم و دینار، نظریه عدم صحت وقف را با ظاهر روایات سازگارتر دانسته است و فرموده‌اند که هیچ خلافتی در

آن نیست؛ زیرا همچون غذا و شمع غیر از تصرف هیچ نفعی برای درهم و دینار متصور نمی‌باشد و این امر با مقتضای وقف که بقای اصل است، منافات دارد. در این ادله مقتضای ماهیت وقف، بقای اصل، تلقی شده و بنابر همین مقتضا وقف امثال غذا و شمع باطل دانسته شده است.

## ۷،۲. استدلال به تنافی مخاطرات پول با ماهیت وقف

یکی از ادله مخالفان وقف پول استدلال به مخاطرات موجود در پول است. آنها قائلند که پول در اقتصاد با مخاطرات مختلفی مواجه است که پیدایش هریک از این مخاطرات اهداف اصلی واقف را نابود می‌کند. وقف در پول به علت وجود تورم، با ریسک کاهش ارزش پول مواجه است؛ بنابراین وقف را در معرض مخاطره کاهش ارزش قرار می‌دهد، زیرا مالیت که در مباحث قبل به عنوان موقوفه، اصلی ثابت در نظر گرفته شد، در فرض وجود تورم، هیچ استقراری نداشته و روزه‌روز کاهش می‌یابد. پول علاوه بر مخاطره کاهش ارزش با مخاطرات دیگری همچون مخاطره سرقت، اختلاس، عدم بازگشت توسط مقترضین روبه‌روست که هریک از این موارد، غرض واقف در بقای اصل موقوفه را از بین می‌برد. همچنین می‌توان گفت در بسیاری موارد پول به عملیات صرف نیاز دارد که در هر عملیات بخشی از موقوفه نابود می‌شود.

اقامه این دلیل توسط مخالفان شاهی است بر این مطلب که آنها برای صحت وقف پول، به دنبال بقای پول هستند که به خاطر وجود مخاطرات، این بقا را از بین رفته می‌دانند و بنابراین قائلند که ماهیت وقف پول، با ماهیت وقف، که بقا در فرض انتفاع است، در تباین می‌باشد. اگرچه این دلیل نزد محقق مردود است؛ لیکن در این تحقیق به دنبال رد ادله مخالفان یا تثبیت ادله موافقان نبوده و ادله فقهای مخالف و موافق صرفاً برای کشف مرتکز ذهنی آنها پیرامون ماهیت وقف، بیان شده است.

از مجموع ادله ذکر شده، می‌توان از مرتکز ذهنی فقها پیرامون ماهیت وقف پرده برداشت و اذعان نمود که با توجه به ادله اقامه شده مرتکز ذهن آنها از ماهیت وقف، بقا

در فرض انتفاع است و هرچیزی که این ماهیت را نداشته باشد، وقفش صحیح نیست. در بحث بعدی درصدد اثبات این هستیم که ماهیت پول، مالیت است و مالیت از این ویژگی برخوردار است که در فرض انتفاع باقی بماند؛ لذا وقف پول که بازگشت به وقف مالیت می‌کند با توجه به ماهیت وقف صحیح است.

### ۸. تصحیح وقف پول با رویکرد ماهیت‌شناسی

با توجه به روایت نبی مکرم اسلام (احبس أصلها وسبیل ثمرتها) و با توجه به تعبیر مختلفی که در کتب فقها از وقف نموده‌اند، این‌گونه برداشت می‌گردد که وقف حبس کردن عین است؛ به نحوی که بیع، هبه، رهن و انتقال به ورثه در آن میسر نباشد. با توجه به این مطلب می‌توان وقف پول را به «حبس النقود وتسیل منفعتة المتمثلة فی الأرباح الناتجة عن استثماره» تعریف نمود یعنی وقف پول عبارت از حبس کردن پول و استفاده از سودهای به‌دست‌آمده از آن در سرمایه‌گذاری است (لیبیا، ۱۴۳۰ق).

تعدادی تعریف دیگر برای وقف پول انجام شده است، از جمله بسیج سرمایه وجوه از طرف اهداکنندگان براساس مدت نامحدود یا ابدی و سرمایه‌گذاری آنان در دارایی‌های مولد که هم منفعی از طریق استفاده عین فراهم می‌آورد و هم درآمد و عایدی‌هایی در جهت مصارف آینده برای افراد یا گروه‌ها براساس خط‌مشی و سیاست در نظر گرفته‌شده توسط اهداکنندگان و دریافت‌کنندگان، فراهم می‌آورد. این تعریف برای وقف پول، کامل‌ترین تعریف برگرفته‌شده براساس مفهوم شریعت از وقف و تأمین مالی می‌باشد (سالاری، ۱۳۹۱). برای اینکه بتوانیم راهی برای تصحیح شرعی این مفهوم فقهی که مرکب از وقف و پول است، بیابیم چاره‌ای جز شناختن ماهیت وقف و ماهیت پول نداریم. محققان علوم انسانی تاکنون دو شیوه پیشینی و حقوقی را برای شناختن ماهیت اشیا معرفی نموده‌اند. این تحقیق علاوه بر دو شیوه پیش‌گفته، شیوه سومی با عنوان شیوه ارتکازی را برای شناختن ماهیت معرفی نموده است. بنابراین می‌توان با سه شیوه پیشینی، حقوقی و ارتکازی اثبات کرد که اولاً ماهیت وقف، بقای در فرض انتفاع

است. ثانیاً ماهیت پول، مالیت می‌باشد. بعد از شناسایی ماهیت وقف و چستی پول از سه روش پیش گفته می‌توان تحقیق حاضر را مشتمل بر یک دلیل منطقی متشکل از صغری، کبری و نتیجه دانست.

## نتیجه

### کبری

- با استفاده از سه شیوه پیشینی، حقوقی و ارتکازی می‌توان گفت که ماهیت پول مالیت است و مالیت قدرت بقاء در فرض انتفاع را داراست.

- وقف پول با توجه به سازگاری هویتش با ماهیت وقف، صحیح است. زیرا ماهیت وقف پول که مالیت است قابلیت بقاء در فرض انتفاع را داراست.

### صغری

- از سه شیوه پیشینی، حقوقی و ارتکازی اثبات می‌شود که ماهیت وقف، بقاء در فرض انتفاع است. و از شرع می‌دانیم که وقف هر چیزی که ویژگی بقاء در فرض انتفاع را داشته باشد صحیح است.

## ۹. راهکارهایی برای عملیاتی کردن وقف پول

با توجه به اینکه این مقاله وقف اعتبار و قدرت خرید ناشی از در اختیار داشتن پول را صحیح می‌داند، می‌توان اذعان کرد که پول حامل ارزش و اعتباری است که براساس قرارداد به آن داده شده است و آنچه برای پول امروزی اهمیت دارد اعتبار پول است. در پول، ارزش اعتباری آن مقصود ماست؛ بنابراین در وقف پول، آنچه وقف می‌شود اعتبار پول است. مثلاً اگر فردی یک میلیون ریال وقف می‌کند، مثل این است که بگوییم یک میلیون ریال اعتبار وقف کرده است؛ خواه این پول به شکل وجه نقد، چک یا پول الکترونیک باشد. بنابراین چنانچه فردی پول موقوفه را برای مدتی در اختیار بگیرد و در

معاملات مضاربه‌ای از آن استفاده نماید و درنهایت همان میزان پول را برگرداند، درواقع همان عین موقوفه را برگردانده است.

حال با توجه به اینکه در بیشتر فتوای فقهای امامیه این شرط وجود دارد که عین مال موقوفه باید باقی بماند، وقف پول صحیح نیست، لذا در ادامه به برخی راهکارهای ارائه شده برای بهره‌برداری از این منبع مردمی برای تأمین مالی امور مختلف اشاره می‌شود:

(الف) پول را از طریق هر نوع عقد یا ایقاعی مانند هدیه یا صلح، می‌توان به تملیک محل موردنظر درآورد. برای مثال می‌توان وجوه نقدی جمع‌آوری شده از افراد متمول را از طریق هبه به مالکیت مؤسسات خیریه درآورد تا آنها از این وجوه در زمینه تأمین نیازهای مالی خود در برنامه‌های کمک‌رسانی به نیازمندان در سطح جامعه استفاده کنند.

(ب) شخص در زمان حیات خود مبلغی را به بانک یا صندوق قرض الحسنه (صندوق وقف پول) بسپارد و وصیت کند بعد از وفات آن را به همین صورت به جریان اندازند (منوط به اینکه بیش از ثلث اموال نباشد، یا اگر بیش از ثلث اموال اوست، اجازه ورثه را در حال حیات بگیرد).

(ج) می‌توانند پول‌هایی را جمع کنند و وکالت دهند که شخص جمع‌کننده چیزی با آنها بخرد و وقف کند. طبق این پیشنهادها وجوه نقدی جمع‌آوری شده صرف خرید دارایی‌هایی از قبیل ملک تجاری یا ساختمان و تشکیلات تولیدی یک کارخانه مرکز تولیدی شود و این ملک به اجاره گذاشته و درآمد حاصل از اجاره صرف امور خیریه (در جهت کاهش فقر) شود یا در ملک تجاری یا مرکز تولیدی خریداری شده توسط پول‌های اهداشده اقدام به آموزش و استخدام نیروی کار (با تأکید بر استخدام افراد فقیر و کم‌درآمد) در جهت افزایش اشتغال در کشور صورت گیرد یا این وجوه صرف خرید سهام یا اوراق قرضه شوند و سود حاصل از آن وقف امور خیریه شود. در راستای اجرایی شدن این پیشنهاد سازمان بورس و اوراق بهادار اقدام به انتشار اوراق وقفی نموده و تاکنون چند بیمارستان بزرگ از محل درآمدهای حاصله ایجاد نموده است.

## نتیجه

این تحقیق در پی یافتن پاسخ این پرسش است که آیا می‌توان وقف پول را با توجه به ماهیت وقف و ماهیت پول صحیح دانست؟ برای پاسخ به این پرسش رهیافت این تحقیق ارائه یک دلیل منطقی متشکل از صغری، کبری و نتیجه است که دستیابی به یک فرضیه را برای ما هموار می‌سازد. این فرضیه گویای این مطلب است که با شناسایی ماهیت وقف و شناسایی ماهیت پول می‌توان از طریق منطق استدلال وقف پول را صحیح دانست. برای دستیابی به صحت این فرضیه از سه روش پیشینی، حقوقی و ارتکازی اثبات شد که ماهیت وقف بقای در فرض انتفاع است و از شرع می‌دانیم که وقف هر چیزی که ویژگی بقای در فرض انتفاع را داشته باشد، صحیح است. از طرف دیگر با استفاده از همین سه روش می‌توان اثبات کرد که ماهیت و شاکله اصلی پول مالیت است و مالیت قدرت بقای در فرض انتفاع را داراست. از این مقدمات می‌توان نتیجه گرفت که وقف پول با توجه به سازگاری هویتش با ماهیت وقف، صحیح است؛ زیرا ماهیت وقف پول که مالیت است قابلیت بقای در فرض انتفاع را داراست. گفتنی است در صورتی که صحت وقف پول نه از روش‌های سنتی - که در سایر مقالات بدان پرداخته شده - مورد پذیرش فقهای بزرگوار قرار گیرد و نه با توجه به ماهیت شناسی وقف و پول - که این مقاله بدان پرداخته است - برخی علما راهکارهای جایگزینی برای وقف پول همچون وصیت (شیرازی، ۱۴۲۷ق: ج ۲، ص ۳۳۶)، قرض، مضاربه و اعانت از صندوق‌های خیریه (حکیم، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ص ۲۷۲) و اقدام به وقف از طریق خرید اوراق وقفی ارائه نموده‌اند. بنابراین از طریق راهکارهای فوق می‌توان به شکلی پول را وقف کرد. با اجرایی شدن وقف پول، امکان مشارکت مردمی در امر وقف نسبت به سایر اشکال وقف بیشتر (به علت عدم محدودیت در میزان مبلغ وقفی) و ترویج و احیای سنت

حسنة وقف در جامعه می‌شود. نکته‌ای که توجه به آن حائز اهمیت است این است که فقهای که وقف پول را صحیح نمی‌دانند، درصدد تصحیح این عمل برآمده‌اند. این امر نشان می‌دهد که وقف پول فی‌نفسه منعی ندارد، بلکه مناقشه فقط در صدق عرفی مفهوم وقف بر آن است. گستردگی اقتصاد، ظهور بازارهای جدید و پدید آمدن عناوین حقوقی، ضرورت به رسمیت شناختن وقف پول را، هرچند به‌عنوان معامله‌ای جدید مطرح می‌سازد (ناصری و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۵۳).



## منابع

۱. آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین، کتاب فی الوقف (للاخوند)، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۲. آقانظری، حسن و مصطفی کاظمی نجفآبادی، «بررسی فقهی وقف پول از منظر فقه شیعه و کارکردهای آن در اقتصاد ایران»، دوفصلنامه مطالعات فقه امامیه، شماره ۶، دوره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۵.
۳. توسلی، محمداسماعیل، تحلیل ماهیت پول و بنیانهای اعمال سیاست پولی در اقتصاد اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴.
۴. جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل البیت (ع) (بالعربیة)، ۵۲ج، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، چاپ اول.
۵. چیزاکچا، مراد، «اوقاف در تاریخ و آثار آن در اقتصاد نوین اسلامی»، ترجمه علی کسای، فصلنامه وقف میراث جاودان، سال ۱۲، شماره ۴۵، بهار ۱۳۸۳.
۶. حائری، محمدحسن و طیبه عباسی، «بررسی فقهی وقف پول»، مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان، سال ۶، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۸۶.
۷. حب الله، حیدر، مجله الاجتهاد والتجدید، العدد ۱۹، بیروت، ۲۰۱۱م.
۸. حسینی (بهشتی)، محمدحسین، ربا در اسلامی، تهران: فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۹.
۹. حلبی (ابن زهره)، حمزه بن علی، غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۱۰. حلی (فخر المحققین)، محمد بن حسن، ایضاح الفوائد، محقق و مصحح: سیدحسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهاردی و عبدالرحیم بروجردی، ۴ج، قم: اسماعیلیان، چاپ اول، ۱۳۸۷ق.
۱۱. حلی (ابن ادریس)، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ۳ج، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.

۱۲. حلی (محقق)، نجم‌الدین جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ۴ ج، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق.
۱۳. دادگر، یدالله و جواد سعادت‌فر، «امکان‌سنجی وقف پول»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال ۷، شماره ۱، بهار ۱۳۸۶.
۱۴. داوودی، پرویز و حسن آقانظری و سیدحسین میرجلیلی، پول در اقتصاد اسلامی، تهران: سمت، ۱۳۷۴.
۱۵. دبیری، محمدصادق، «وقف پول و سهام از دیدگاه اسلام»، ماهنامه کانون، شماره ۹۴، تیر ۱۳۸۸.
۱۶. رحمانی، «قاعده الوقوف بحسب ما یوقفها أهلها»، فصلنامه وقف میراث جاویدان، سال ۵، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۶.
۱۷. رحیمی، مرتضی، «بررسی فقهی وقف پول در مذاهب اربعه»، فصلنامه وقف میراث جاویدان، شماره ۱۶، ۱۳۸۷.
۱۸. سالاری، تقی ابراهیمی و سیدمحمد سیدحسینی، «بررسی فقهی وقف پول و آثار اقتصادی آن (با تأکید بر فقر و اشتغال)»، دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی (دانش و توسعه سابق)، دوره جدید، سال ۱۹، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱.
۱۹. سبجانی، جعفر، «وقف طلا و نقره زینتی و مسکوک»، فقه اهل‌البیت، سال ۱۵، شماره ۶۰، زمستان ۱۳۸۸.
۲۰. \_\_\_\_\_، «وقف طلا و نقره زینتی و مسکوک»، فقه اهل‌البیت، سال ۱۵، شماره ۶۰، زمستان ۱۳۸۸.
۲۱. سبزواری، سید عبد‌الأعلى، مهذب الأحكام (للسبزواری)، ۳۰ ج، قم: مؤسسه المنار (دفتر حضرت آیت‌الله)، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ ق.
۲۲. سبزواری، علی مؤمن قمی، جامع الخلاف و الوفاق، قم: زمینه‌سازان ظهور امام عصر (ع)، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.
۲۳. شیرازی، ناصر مکارم، الفتاوی الجديدة (لمکارم)، ۳ ج، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ دوم، ۱۴۲۷ ق.

۲۴. صدر، محمدباقر، البنك الاربوی فی الاسلام، بیروت: دارالتعریف المطبوعات، ۱۹۹۴.
۲۵. طباطبایی (حکیم)، سیدمحسن، منهاج الصالحین (المحشی للحکیم)، ۲ ج، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
۲۶. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن نورالدین علی بن احمد، شرح لمعه، چاپ سنگی: بی نا، بی تا.
۲۷. عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة، ۳ ج، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۷ ق.
۲۸. عسگری، قاسم، جایگاه وقف در فرایند توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران (پایان نامه)، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، خرداد ۱۳۹۰.
۲۹. فلاح تفتی، فاطمه، «وقف پول»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۴۹ و ۲۵۰، ۱۳۸۷.
۳۰. قطب الدین کیدری، محمد بن حسین، إصباح الشیعة بمصباح الشریعة، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
۳۱. کسائی، سیدعلی، «وقف پول»، فصلنامه وقف میراث جاویدان، شماره ۵۱، پاییز ۱۳۸۴.
۳۲. لیا، محمد، قسم الشریعة - کلیة أحمد إبراهيم للحقوق، الجامعة الإسلامية العالمية بمالیزیا، د. محمد إبراهيم نقاسی، محاضر فی کلیة الشریعة والقانون نظام وقف النقود ودوره فی تنمية المرافق التربویة والتعليمیة، بجامعة العلوم الإسلامية مالیزیا، مقدم إلى مؤتمر عالمی عن: قوانین الأوقاف وإدارتها: وقائع وتطلعات، ۱۴۳۰ ق.
۳۳. مصباحی مقدم، غلامرضا، سجاد سیاح و محمد مهدی نادری نور عینی، «امکان سنجی وقف سهام و پول مدل صندوق وقف سهام و پول در ایران»، فصلنامه جستارهای اقتصادی، سال ۶، شماره ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
۳۴. مصطفوی، سیدمحمدکاظم، فقه المعاملات، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۲۳ ق.
۳۵. مطهری مرتضی، ربا، بانک، بیمه، تهران: صدرا، ۱۳۶۴.

۳۶. مظفر، محمدرضا، المنطق، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۵.
۳۷. معرفت، محمدهادی، «یادگاری‌های ماندگار: حقیقت وقف»، فصلنامه وقف میراث جاویدان، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۷۶.
۳۸. موسوی بجنوردی، سیدمحمد، «نظرخواهی از فقها پیرامون مسائل فقهی و حقوقی ناشی از کاهش ارزش پول»، مجله رهنمون، شماره ۶، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری، ۱۳۷۲.
۳۹. موسوی (خمینی)، روح‌الله، تحریر الوسیله، بیروت: بی‌نا، ۱۴۰۷ق.
۴۰. میرمعزی، سیدحسین، «تقاضای پول در اقتصاد اسلامی»، مجله اقتصاد اسلامی، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۸۲.
۴۱. ناصحی، مهدی و محبوبه شادپی، «بانک وقف پول (چالش‌ها و فرصت‌ها)»، مجموعه مقالات وقف و تمدن اسلامی، تهران: اسوه، ۱۳۸۷.
۴۲. نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ۴۳ج، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۹۹۴.
۴۳. نجفی (کاشف الغطاء)، عباس بن حسن بن جعفر، منهل الغمام فی شرح شرائع الإسلام، ۳ج، نجف: مؤسسه کاشف الغطاء، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
۴۴. نمازی‌فر، حسین و حکیمه‌السادات هندی‌زاده، «بررسی وقف پول با رویکردی بر آرای امام خمینی (قدس)»، پژوهشنامه متین، سال ۱۵، شماره ۶۱، زمستان ۱۳۹۲.
۴۵. هاشمی شاهرودی، سیدمحمود، «احکام فقهی کاهش ارزش پول»، مجله فقه اهل‌بیت، شماره ۲، ۱۳۷۴.
۴۶. یوسفی، احمدعلی، «تحلیل تاریخی تورم و کاهش ارزش پول»، مجله اقتصاد اسلامی، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۰.
۴۷. \_\_\_\_\_، ماهیت پول، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۳.